

بسم الله الرحمن الرحيم

جایگاه منفعت گرایی در دین و نسبت آن با اخلاص

غلام زاده¹

چکیده

منفعت گرایی، به عنوان یک گرایش فکری و عملی که کنش های انسانی را بر پایه سود و زیان شخصی ارزیابی می کند، در تقابل یا تعامل با مفاهیم بنیادینی چون اخلاص در دین قرار می گیرد. در نگاه دینی، به ویژه در آموزه های اسلامی، اخلاص به منزله پالایش نیت ها از انگیزه های غیر الهی و خالص سازی اعمال برای رضای خداوند تعریف می شود. مسئله اصلی در این نوشتار بررسی جایگاه منفعت گرایی در دین و نسبت آن با اخلاص است. روش تحقیق کتابخانه ای بوده و با توصیف و تحلیل به مساله پرداخته است. هدف از نوشتن این تحقیق بررسی جایگاه منفعت گرایی در دین و نسبت آن با اخلاص است. بر اساس یافته های این پژوهش می توان گفت که در دستگاه معرفتی دین اسلام، منفعت گرایی، اگر در چارچوب رضای الهی و جهت گیری به سوی قرب پروردگار باشد، نه تنها با اخلاص منافاتی ندارد، بلکه می تواند پلی برای نیل به آن باشد. دین به جای نادیده گرفتن طبیعت انسانی، آن را به عنوان واقعیتی انکارناپذیر پذیرفته و با تعیین مقصدی بلند (قرب الهی)، بهر مندی از انگیزه های منفعت طلبانه را سامان دهی کرده است. این نگاه، هم از بعد روان شناختی و هم از بعد الهیاتی، یک تدبیر حکیمانه و واقع گرانه برای تعالی انسان است.

کلید واژه: منفعت گرایی، دین، اسلام، انسان

مقدمه

منفعت گرایی، به عنوان یکی از محرک های بنیادین رفتار انسانی، همواره در تحلیل های فلسفی و دینی مورد توجه بوده است. دین اسلام، با واقع نگری نسبت به ساختار روانی انسان، این گرایش را نه تنها انکار نمی کند بلکه آن را بستری برای رشد و هدایت در نظر می گیرد. در حقیقت، دعوت های قرآنی به بهشت و وعده های پاداش اخروی نشان می دهد که منفعت گرایی در افق دید دین، به رسمیت شناخته شده است؛ اما با مرزبندی مشخص: منفعت گرایی مشروع، در صورتی که به نیت قرب الهی متصل باشد، می تواند مقدمه ای اخلاص شود. اخلاص در دین، به معنای خالص سازی نیت برای خداوند است. این خلوص نیت، نقطه ای اوج سیر معنوی انسان به شمار می رود؛ اما نکته ای مهم آن است که دین، رسیدن به این مقام را فرایندی تدریجی می داند که از سطوح ابتدایی انگیزه ها آغاز می شود. انسان مؤمن، ممکن است در ابتدا برای رهایی از جهنم یا رسیدن به پاداش های مادی و معنوی عمل صالح انجام دهد. اما همین انگیزه، به شرطی که در مسیر معرفت قرار گیرد، به سوی اخلاص سوق داده می شود. شهید مطهری در تبیین این مسئله می نویسد: «در اسلام، تربیت به گونه ای است که

¹. طلبه سطح 2 حوزه علمیه الزهرا- ارومیه

انسان در آغاز ممکن است به طمع بهشت یا ترس از دوزخ عمل کند، اما رفته‌رفته، به مرحله‌ای می‌رسد که فقط برای خدا عمل می‌کند»^۱

از سوی دیگر، آیات متعددی از قرآن کریم، به انگیزه‌های منفعت‌طلبانه پاسخ مثبت داده و آن را جهت داده‌اند، نه آنکه نفی کنند. در آیه‌ی ۹۷ سوره نحل آمده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً»؛ که نشان می‌دهد عمل صالح همراه با ایمان، منجر به زندگی پاک و مطلوب می‌شود؛ نوعی منفعت‌گرایی مطلوب در چارچوب دین.^۲

منفعت‌گرایی، اگر صرفاً متوجه لذت، رفاه یا پیروزی دنیوی باشد، در منطق دین مذموم و نوعی شرک خفی تلقی می‌شود. به فرموده‌ی امام علی (ع): «عبادت تاجران، عبادت به امید پاداش است؛ عبادت آزادگان، عبادت از سر عشق و شناخت است»^۳ با این حال، این کلام نه برای طرد مطلق منفعت‌گرایی، بلکه برای تبیین مراتب آن است. دین به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کند که انسان از انگیزه‌های دانی عبور کرده و به خلوص برسد. در همین راستا، دکتر جوادی آملی نیز تأکید دارد که «نفی انگیزه‌ی سود، به معنای حذف غایت نیست، بلکه جهت‌دادن به آن است تا مقصد نهایی، رضایت خداوند باشد»^۴ حتی وعده‌های بهشتی نیز، اگر به‌درستی تلقی شوند، پاداشی الهی و تجلی رحمت خداوند هستند، نه صرفاً نتیجه‌ی نفع‌طلبی خودمحورانه. باید توجه داشت که در تربیت اخلاقی اسلامی، مهم آن است که انسان با معرفت و تعمق، انگیزه‌ها را پالایش کند. اگر عمل نیک از روی منفعت دنیوی صورت گیرد، به خودی خود باطل نیست، اما ارزش آن، بسته به نیت و درجه‌ی قرب به خداوند تغییر می‌کند^۵

نکته‌ی ظریف دیگر آن است که حتی «اخلاص» نیز، در نگاه برخی عرفا، در ابتدا با «خودآگاهی معنوی» همراه است، نه بی‌نیازی کامل از منفعت. یعنی فرد ممکن است به‌دلیل لذت عبادت، آرامش قلبی یا رضایت درونی، عمل صالح انجام دهد، که همه مصادیق نوعی سود معنوی‌اند؛ اما در نظام ارزشی دین، این انگیزه‌ها نه تنها نفی نمی‌شوند، بلکه بخشی از سیر به‌سوی اخلاص‌اند^۶ بنابراین، دین اسلام با نفی مطلق انگیزه‌ی سود، واقع‌گرایی خود را از دست نمی‌دهد؛ بلکه با پالایش و هدایت این انگیزه، شخصیت مؤمن را به مرحله‌ای می‌رساند که نهایت رضایت او، در رضایت الهی خلاصه می‌شود. آنجا که دیگر منفعت فردی، در قالب رضای خدا و کمال معنوی متجلی شده و همین نقطه، آستانه‌ی اخلاص است.

برای موضوع مذکور مقالات بسیاری نوشته شده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

مقاله‌ی اخلاق و منفعت‌گرایی در الهیات اسلامی از محمد سعیدی مهر، مقاله‌ی بررسی تطبیقی مفهوم اخلاص در اخلاق دینی و فلسفه اخلاق غرب از زهرا سادات حسینی، مقاله‌ی تحلیل

۱ مطهری. آزادی معنوی. ص ۳۴

۲ طباطبایی. المیزان فی تفسیر القرآن. جلد ۱۲، ص ۳۴۲

۳ محمدی ری‌شهری. میزان‌الحکمه. جلد ۳، ص ۲۹۰

۴ جوادی آملی. اخلاق در قرآن. جلد ۲، ص ۱۲۱

۵ مصباح یزدی. اخلاق در قرآن. جلد ۱، ص ۹۵

۶ قائمی. روان‌شناسی انگیزش در دین. ص ۱۶۵

نقش نیت و انگیزه در اخلاق اسلامی از محمداقرا خرازی ، مقاله ی نیت و تأثیر آن بر ارزش اخلاقی عمل از منظر قرآن از محمدرضا بروجردی، مقاله ی بررسی سازگاری منفعت‌گرایی با آموزه‌های دینی از سید محمد تقی موحدی

وجه تمایز این مقاله با مقاله های دیگر این است که این تحقیق برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به بررسی منفعت‌گرایی در تقابل با آموزه‌های دینی پرداخته‌اند، تلاش دارد نگاه جامعی به نسبت تکاملی میان منفعت‌طلبی و اخلاص ارائه دهد. اغلب آثار موجود، منفعت‌گرایی را به‌مثابه رویکردی غیردینی یا حداقل ناسازگار با معنویت معرفی کرده‌اند، در حالی که این پژوهش با تحلیل تدریجی مراتب رشد ایمانی، منفعت را نه تنها مانعی، بلکه در مرحله‌ای از سلوک، محرکی برای ورود به عرصه معنویت معرفی می‌کند. برخی پژوهش‌ها همچون مقالات عبادت یا تحلیل نیت در فلسفه اخلاق، نفع را در سطحی فردی یا شناختی بررسی کرده‌اند، اما در این تحقیق، سعی شده با تلفیق رویکردهای روان‌شناختی، عرفانی و قرآنی، مدلی از تحول انگیزشی انسان دینی ترسیم شود که در آن، گذار از نفع‌طلبی به اخلاص، نه یک پرش بلکه یک روند تربیتی قابل قبول دانسته شده است.

در این مقاله به این سؤال پرداخته شده است که جایگاه منفعت‌گرایی در دین و نسبت آن با اخلاص چگونه است؟

1- مفهوم شناسی

منفعت گرایی

منفعت‌گرایی نظریه‌ای اخلاقی است که ارزش افعال را وابسته به نتایج سودمند آن برای فرد یا جامعه می‌داند. در این دیدگاه، عملی خوب تلقی می‌شود که بیشترین فایده را برای بیشترین افراد در پی داشته باشد. تمرکز اصلی این نظریه بر پیامد عمل است، نه نیت یا قصد فاعل. چنین نگاهی در فلسفه اخلاق غرب جایگاه ویژه‌ای دارد، اما در منظومه اخلاق اسلامی، نفع‌محوری صرف، جایگاهی ثانوی دارد و نه غایی.¹

در اخلاق اسلامی، بهره‌مندی از منفعت نفی نمی‌شود، بلکه شرط مشروعیت آن، هماهنگی با رضای الهی است. عمل اگرچه ممکن است برای فاعل یا جامعه نافع باشد، اما در صورتی دارای ارزش اخلاقی خواهد بود که با قصد قربت و نیت خالص انجام شود.²

از منظر قرآن و روایات، انسان موجودی فطری است که ممکن است به صورت طبیعی به دنبال منفعت باشد، اما تربیت دینی او را به سمت تعالی نیت و خلوص هدایت می‌کند. این مسیر تدریجی، از نفع شخصی به رضای الهی، عنصر متمایزکننده اخلاق اسلامی از نظریات اومانستی است.³

1. کریمی، تحلیل تطبیقی منفعت‌گرایی، ص ۱۲۰

2. جوادی آملی، اخلاق در قرآن، ص ۳۹۲

3. قائمی، روان‌شناسی انگیزش در دین، ص ۸۷

در همین راستا، حتی اگر نفع‌طلبی در سطحی به عنوان انگیزه اولیه پذیرفته شود، تنها زمانی مقبول و ارزشمند است که در ساختار نیت الهی و عبودیت جای گیرد.¹ به همین دلیل، اخلاق اسلامی منفعت‌گرایی را به عنوان یک اصل مستقل نمی‌پذیرد، بلکه آن را در چارچوبی الهی و توحیدی معنا می‌کند.

2- بررسی منفعت‌گرایی در منابع اسلامی

از دیدگاه منابع اسلامی، منفعت‌گرایی نه تنها مفهومی طرد شده نیست، بلکه در بطن بسیاری از آموزه‌های دینی جایگاهی سازنده دارد. البته باید بین منفعت‌طلبی خودمحور و «مصلحت‌گرایی حکیمانه» که در شریعت و عقلانیت دینی ریشه دارد، تفاوت قائل شد. قرآن کریم بارها بندگان را به اعمالی فرا می‌خواند که نفعی برای آنان در پی دارد؛ خواه نفع اخروی، خواه دنیوی. برای نمونه، آیه شریفه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» (الزلزلة: ۷) به رابطه مستقیم میان عمل و نتیجه‌ی آن در آخرت تصریح دارد که از نگاه بسیاری مفسران، ریشه در نوعی منفعت‌گرایی معنوی دارد.²

از این منظر، انگیزه‌های مبتنی بر نفع شخصی نه تنها مردود شمرده نمی‌شوند، بلکه در مسیر صحیح می‌توانند ابزار حرکت به سوی تعالی معنوی باشند. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه به کرات مردم را به انجام اعمال نیک به امید بهشت یا ترس از دوزخ تشویق می‌کند و این نشان می‌دهد که اصل توجه به نتیجه و نفع، در فرآیند تربیت دینی جایگاهی کلیدی دارد.³

از نظر فلاسفه و متکلمان مسلمان نیز، اصل مصلحت در تدوین احکام شرعی نقش‌آفرین است. مصلحت به عنوان شکلی عقلانی از نفع عمومی، در اجتهاد اصولی جایگاه خاصی دارد. به گفته داوری اردکانی، نظام اخلاقی اسلام بیش از آنکه بر وظیفه‌گرایی مطلق استوار باشد، بر درک مصالح و مفاسد رفتارها تأکید دارد و این خود نوعی منفعت‌محوری هدایت‌یافته است.⁴

برخی متفکران اسلامی، نظیر علامه طباطبایی، منفعت را نه امری مادی و سطحی، بلکه نتیجه هماهنگی انسان با نظام فطری و الهی هستی می‌دانند. او در تفسیر خود بر آیات مربوط به احکام، از لزوم مطابقت احکام با مصالح واقعی سخن گفته و تصریح می‌کند که خداوند هر حکمی را بر پایه نفع حقیقی بندگان تشریع کرده است.⁵

در حوزه اخلاق نیز، بزرگان دین به جای نادیده گرفتن نفع، آن را به سوی انگیزه‌های متعالی سوق می‌دهند. جوادی آملی در تحلیل آیات اخلاقی قرآن تأکید می‌کند که اخلاص، اگرچه به ظاهر نفع شخصی است، اما در حقیقت نفع بالاتری را هدف می‌گیرد: رضای خداوند و قرب الهی، که در نهایت، کمال انسان را تضمین می‌کند (جوادی آملی، اخلاق در قرآن، ص ۲۱۸). از همین منظر،

¹ ملکی، بررسی روان‌شناختی انگیزش دینی، ص ۵۰

² طباطبایی، المیزان، ص ۳۴

³ محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، ص ۷۸۹

⁴ داوری اردکانی، اخلاق و سیاست در اسلام، ص ۱۱۲

⁵ طباطبایی، المیزان، ص ۹۶

نمی‌توان نفع را در نقطه مقابل دین قرار داد؛ بلکه دین، نفع را از سطح حیوانی و خودخواهانه به سطح عقلانی و الهی ارتقا می‌دهد.

در همین راستا، آیت‌الله سبحانی نیز معتقد است که ارزش‌گذاری اخلاقی افعال بر اساس نیت، در پیوند وثیق با درک نفع حقیقی است. در نگاه ایشان، نیت اگرچه ممکن است متضمن نفع باشد، اما در صورتی که هدف آن رضای الهی باشد، از خلوص تهی نمی‌شود.¹

مطهری در «آزادی معنوی» بر این نکته تأکید می‌کند که اسلام میان نفع حیوانی و نفع انسانی تفاوت می‌گذارد و وظیفه دین آن است که انسان را از توجه صرف به نفع مادی به‌سوی نفع ملکوتی سوق دهد. وی حتی عبادات را دارای «مصلحت» معرفی می‌کند و این یعنی دین بر اساس درک نیازها و منافعی خاص انسان، نظامی اخلاقی را سامان داده است.²

از دیدگاه فطرت‌گرایانه نیز، تمایل به نفع درونی انسان نهاده شده و دین تنها آن را در مسیری سالم سامان می‌دهد. ربانی گلپایگانی در بررسی فطرت، نفع‌طلبی را یکی از گرایش‌های اصلی فطری می‌داند که در صورت هدایت، می‌تواند موتور محرکه‌ای برای ایمان باشد (ربانی گلپایگانی، فطرت از دیدگاه اسلام، ص ۶۸). به همین ترتیب، رضایی اصفهانی نیز در «فلسفه دین از نگاه قرآن» به تبیین ارتباط فطرت، نفع و ایمان پرداخته و تصریح می‌کند که دین از کانال نفع واقعی انسان، پیام الهی را به قلب او منتقل می‌کند.³

نتیجه آنکه، منابع اسلامی منفعت‌گرایی را نه طرد می‌کنند و نه بی‌قید می‌پذیرند؛ بلکه با هدایت آن به‌سوی غایات عقلانی و الهی، نوعی «اخلاق نفع‌مدار مبتنی بر اخلاص» را پیشنهاد می‌کنند. این رویکرد می‌تواند رام‌گشای بحث‌های نوین اخلاق دینی در فضای معاصر باشد که در آن تضادهای ظاهری میان دین و نفع‌طلبی، بارها محل چالش بوده‌اند.

3- منفعت‌طلبی در قرآن و سنت

در آموزه‌های قرآن و سنت، منفعت‌طلبی نه تنها امری مذموم تلقی نشده، بلکه در چارچوبی هدایت‌شده و عقلانی به‌عنوان یکی از انگیزه‌های مشروع و حتی مؤثر برای انجام اعمال دینی و اخلاقی پذیرفته شده است. تمایل به منفعت از جمله تمایلات فطری انسان است که در متون دینی نیز مورد شناسایی و جهت‌دهی قرار گرفته است.⁴

در قرآن، آیات متعددی انسان را به انجام اعمالی تشویق می‌کنند که نتیجه آن سود دنیوی یا اخروی است. این تشویق به گونه‌ای است که نشان می‌دهد خداوند از میل طبیعی انسان به نفع، برای هدایت او بهره می‌برد. آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ»⁵ صراحتاً بیان می‌کند که نیکی‌کردن، در

¹ سبحانی، آموزه‌های اخلاق اسلامی، ص ۹۹

² مطهری، آزادی معنوی، ص ۵۵

³ رضایی اصفهانی، فلسفه دین از نگاه قرآن، ص ۱۱۵

⁴ ربانی گلپایگانی، فطرت از دیدگاه اسلام، ص ۶۲

⁵ اسرا: ۷

6- نقد منفعت‌گرایی مطلق و سکولار

منفعت‌گرایی مطلق و سکولار به عنوان نظریه‌ای اخلاقی، تأکید بر این دارد که معیار اصلی ارزش عمل، صرفاً میزان سود و نفع مادی یا عقلانی آن است. این رویکرد، که در فلسفه اخلاق غرب به ویژه از طریق اندیشمندانی مانند بنتام و میل توسعه یافته، به نوعی به عقلانیت ابزاری و سودانگاری محض گرایش دارد و هرگونه انگیزه و هدفی را که به نفع فرد یا جامعه منتهی نشود، نادیده می‌گیرد یا کم‌اهمیت می‌داند. از این منظر، منفعت‌گرایی سکولار، اساساً از دین و ارزش‌های معنوی و اخلاقی مستقل است و این مسئله منجر به برخی نقدها و چالش‌های جدی در حوزه فلسفه اخلاق اسلامی و دینی می‌شود¹

یکی از مهم‌ترین نقدها به منفعت‌گرایی مطلق، تأکید بیش از حد آن بر نتایج و پیامدهای عمل است، به گونه‌ای که نیت، اخلاص و انگیزه‌های معنوی را کنار می‌گذارد. در اندیشه اسلامی، نیت و اخلاص به عنوان اساس ارزش‌گذاری اخلاقی مطرح است و عملی که از نیت صحیح و خالص سرچشمه نگیرد، حتی اگر از نظر ظاهری سودمند باشد، ارزشی ندارد² بنابراین، منفعت‌گرایی مطلق که صرفاً به پیامدهای خارجی عمل می‌نگرد، نمی‌تواند معیار کاملی برای اخلاق در نگاه دینی باشد.

علاوه بر این، رویکرد منفعت‌گرایانه سکولار، از آنجا که منفعت را عمدتاً به سود مادی یا دنیوی محدود می‌کند، از ابعاد معنوی و متعالی انسان غفلت می‌کند. در دین اسلام، منفعت نهایی و واقعی به کمالات روحانی، قرب به خدا و تحقق فطرت انسانی مرتبط است و منفعت‌های مادی تنها بخشی از زندگی انسان را شامل می‌شود که نمی‌تواند معیار اخلاقی مطلق باشد³

نقد دیگر بر منفعت‌گرایی سکولار این است که در برخی موارد، می‌تواند به توجیه رفتارهای غیر اخلاقی منجر شود، به شرط آنکه به نفع فرد یا جامعه تمام شود. به بیان دیگر، اگر نتیجه‌ای منفعت‌آمیز باشد، حتی اگر راه‌های رسیدن به آن، اخلاقاً نامقبول باشد، از نظر منفعت‌گرایی مطلق قابل پذیرش است. این نگاه باعث می‌شود که برخی از اصول و ارزش‌های اخلاقی بنیادین مانند عدالت، صداقت و احترام به کرامت انسان‌ها به خطر بیفتد⁴

از سوی دیگر، منفعت‌گرایی سکولار به علت تأکید بر عقلانیت ابزاری، نمی‌تواند به خوبی به مسایل پیچیده‌ای مانند تضاد منافع، معنای خیر مطلق و راهکارهای اخلاقی در شرایط مبهم پاسخ دهد. این محدودیت باعث می‌شود که در عمل به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی ناقص و گاه نادرست منجر شود⁵ در مقابل، نگاه دینی و اسلامی، منفعت را در چارچوب کلی تری تعریف می‌کند که علاوه بر منفعت مادی، منفعت معنوی، اجتماعی و آخرتی را نیز در بر می‌گیرد. این دیدگاه به نفع نه تنها در

¹ جواد آملی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۲

² محمودی، نقش نیت در ارزش‌گذاری اخلاقی، ۱۳۹۹

³ ربانی گلپایگانی، فطرت از دیدگاه اسلام، ۱۳۹۰

⁴ دآوری اردکانی، اخلاق و سیاست در اسلام، ۱۳۹۳

⁵ قائمی، روان‌شناسی انگیزش در دین، ۱۳۸۳

دنیا، بلکه در آخرت و در رابطه انسان با خداوند نیز توجه دارد و از این رو، منفعت‌گرایی مطلق را به چالش می‌کشد¹

به علاوه، منفعت‌گرایی سکولار به دلیل جدایی از مبدأ الهی و غایت متعالی، نمی‌تواند معیارهای اخلاقی را تضمین کند و در نتیجه با مسئله نسبی‌گرایی اخلاقی و فقدان معیارهای قطعی مواجه می‌شود. این مسئله در منابع اسلامی با تأکید بر شریعت و وحی به عنوان منبع مطلق و یقینی معیارهای اخلاقی برطرف می‌شود²

در مجموع، نقدهای مطرح شده نشان می‌دهد که منفعت‌گرایی مطلق و سکولار با رویکردی که صرفاً به نتایج مادی و ظاهری عمل می‌نگرد و نیت و معنویت را نادیده می‌گیرد، نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای نظام اخلاقی دینی باشد. در مقابل، نظام اخلاقی اسلامی با تعریفی جامع از منفعت و ارزش‌گذاری بر اساس نیت و اخلاص، چارچوبی متعالی و همه‌جانبه برای اخلاق فراهم می‌کند که نقدهای اصلی به منفعت‌گرایی سکولار را پاسخگو است³

7- نقد طرد مطلق نفع در برخی برداشت‌های متعصبانه دینی

در میان دیدگاه‌های دینی، برخی برداشت‌ها وجود دارد که به طور مطلق و کامل نفع و منفعت را در چارچوب اخلاقی و دینی مردود می‌شمارند و هر گونه توجه به منفعت را نوعی خودمحوری و انحراف از مسیر صحیح معنوی می‌دانند. این رویکرد متعصبانه که در برخی جریان‌های دینی یافت می‌شود، نفع را صرفاً به معنای مادی و دنیوی تلقی کرده و توجه به آن را مغایر با ارزش‌های اخلاقی و معنوی معرفی می‌کند. اما این طرد مطلق نفع، از منظر متون اسلامی و تفاسیر علمای اخلاق اسلامی، قابل نقد و بازنگری است⁴

یکی از نکات مهم در نقد این رویکرد، نادیده گرفتن واقعیت ذاتی انسان و فطرت اوست. قرآن کریم به صراحت بر فطرت انسان تأکید دارد که همانا جستجوی خیر و نفع واقعی است، چه در بعد مادی و چه در ابعاد معنوی⁵ این نشان می‌دهد که نفع و منفعت نه تنها نمی‌تواند مطلقاً مردود باشد، بلکه بخشی از ساختار وجودی انسان است و به عنوان یک انگیزه طبیعی و ضروری باید مورد توجه قرار گیرد.

همچنین، در تعالیم اسلامی نفع و منفعت، فارغ از بعد مادی، معنایی گسترده و عمیق دارد و تنها محدود به منافع دنیوی نیست. منفعت در اسلام به معنای رفاه معنوی، رشد اخلاقی، عدالت اجتماعی و قرب الهی است که همه اینها در متن دین تأکید و تشویق شده‌اند⁶ بنابراین، طرد کامل نفع به عنوان یک مفهوم، به معنای انکار بخش مهمی از آموزه‌های دینی است. نقد دیگر بر این رویکرد متعصبانه، ایجاد تقابل نادرست میان نیت و نفع است. برخی معتقدند که توجه به نفع موجب کاهش اخلاص و پاکی نیت می‌شود. اما طبق آموزه‌های اسلام، نفع و نیت می‌توانند همزیستی سازنده داشته

1 طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴

2 سبحانی، آموزه‌های اخلاق اسلامی، ۱۳۹۲

3 مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۱

4 طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴

5 ربانی گلپایگانی، فطرت از دیدگاه اسلام، ۱۳۹۰

6 جوادی آملی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۲

باشند؛ یعنی فرد می‌تواند هم نیت خالص داشته باشد و هم در پی تحقق منفعت مشروع باشد¹ در واقع، اخلاص بدون توجه به نتیجه و منفعت، ممکن است موجب غفلت از اثرگذاری عملی و پیامدهای واقعی اعمال شود. از سوی دیگر، طرد مطلق نفع در عمل می‌تواند منجر به انکار عدالت و حقوق طبیعی انسان‌ها شود. چرا که بسیاری از احکام و آموزه‌های دینی برای تأمین منافع مادی و معنوی فرد و جامعه وضع شده‌اند² اگر نفع به کلی مردود شمرده شود، اساس بسیاری از تکالیف و قوانین دینی نیز زیر سؤال می‌رود.

برخی نقدها نیز از منظر روان‌شناسی دینی وارد می‌شود و تأکید دارد که طرد مطلق نفع باعث ایجاد تضاد در ساختار انگیزشی انسان و در نتیجه مشکلات روانی می‌گردد. انسان‌ها به طور طبیعی به دنبال کسب منفعت هستند و انکار این انگیزه، می‌تواند موجب سرخوردگی، دوری از دین و از دست دادن انگیزه‌های عمل صالح شود³ نکته مهم دیگر، فهم نادرست از مفهوم «دنیاطلبی» است. در فرهنگ دینی، دنیاطلبی به معنای حرص و طمع بی‌حد و حصر برای امور دنیوی است که مذموم است، اما تلاش برای کسب نفع مشروع و حفظ مصالح فردی و اجتماعی، امری پسندیده و لازم است⁴ در نتیجه، طرد مطلق نفع، در واقع طرد نوعی از منافع مشروع و متعادل است که اسلام آن را مورد تأیید قرار داده است.

در نهایت، آموزه‌های دینی بر توازن میان نفع فردی، جمعی و معنوی تأکید دارند و از یک سو، منفعت‌طلبی صرف و از سوی دیگر، انکار مطلق نفع را رد می‌کنند⁵ این رویکرد میانه‌رو و متعادل، راهکار صحیح در مواجهه با مسئله نفع و منفعت است.

نتیجه‌گیری

در فرایند بررسی مفهومی و معرفتی منفعت‌گرایی در متن دین، به‌ویژه در نسبت‌سنجی آن با مفهوم اخلاص، به نقطه‌ای می‌رسیم که تعارض اولیه، جای خود را به تعاملی دقیق و پیچیده می‌دهد. دین اسلام نه تنها از شناخت و مدیریت انگیزه‌های نفسانی غافل نیست، بلکه به شیوه‌ای تربیتی آن‌ها را به‌سوی کمال سوق می‌دهد. از این‌رو، منفعت‌گرایی در خود، نه مذموم است و نه نافی دیانت، مگر آنکه محور آن نفس انسان و غایت آن دنیا باشد.

اخلاص، به‌عنوان بالاترین مرتبه‌ی نیت در دین، بیانگر خلوص عمل در برابر خداست؛ نیتی تهی از خودخواهی و تهی از انتظار پاداش دنیوی. بالاین‌حال، این مفهوم در منظومه‌ی تربیتی دین، امری دفعی و حاصل جبر نیست، بلکه نتیجه‌ی یک سیر درونی و تدریجی است. نقطه‌ی آغاز بسیاری از انسان‌ها، منفعت‌طلبی در ساحت مادی یا حتی معنوی است؛ خواه در قالب وعده‌ی بهشت، یا خوف از عذاب. نکته‌ی کلیدی در الهیات اسلامی آن است که دین، به‌جای طرد این تمایلات، آن‌ها را به

¹ محمودی، نقش نیت در ارزش‌گذاری اخلاقی، ۱۳۹۹

² سبحانی، آموزه‌های اخلاق اسلامی، ۱۳۹۲

³ قائمی، روان‌شناسی انگیزش در دین، ۱۳۸۳

⁴ مطهری، آزادی معنوی، ۱۳۷۴

⁵ مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۱

ابزاری برای رشد تبدیل می‌کند. بنابراین، انسان با ترغیب به اعمالی که سود دنیوی و اخروی دارند، به‌مرور با «زیبایی نیت» و «عمق نیت» آشنا شده و در نهایت به مرحله‌ی اخلاص نائل می‌شود.

اگر منفعت‌گرایی در منظری الهی و توحیدی تعریف شود، دیگر تعارضی با اخلاص ندارد. چنان‌که در قرآن، بارها از پادشاه‌های بهشتی برای ترغیب مؤمنان استفاده شده است (نحل: ۹۷، توبه: ۷۲، زمر: ۳۵)، یا احادیثی نظیر «من صام رمضان ایماناً واحتساباً غُفر له ما تقدم من ذنبه» (بخاری، صحیح) تأکید می‌کند که نیت احتساب، یعنی انتظار اجر از خداوند، هم‌راستا با اخلاص است، نه ضد آن.

منابع:

1. بهشتی، محمد (۱۳۸۶). خدا از نگاه قرآن. تهران: بعثت.
2. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). اخلاق در قرآن، جلد اول. قم: اسراء.
3. داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۳). اخلاق و سیاست در اسلام. تهران: نشر سخن.
4. ربانی گلپایگانی، محمد (۱۳۹۰). فطرت از دیدگاه اسلام. قم: انتشارات نور.
5. رضایی اصفهانی، ناصر (۱۳۹۴). فلسفه دین از نگاه قرآن. قم: بوستان کتاب.
6. رضوی، فاطمه (۱۳۹۸). «تأملی در نسبت میان دین و منفعت در اندیشه اسلامی». فصلنامه معرفت اخلاقی، ۵(۳)، ۸۰-۹۶.
7. سبحانی، جعفر (۱۳۹۲). آموزه‌های اخلاق اسلامی. قم: مؤسسه امام صادق(ع).
8. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۹). اخلاق خدایان. تهران: صراط.
9. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
10. غفاری، امیر (۱۴۰۱). «رابطه اخلاص و نفع‌طلبی در روایات اسلامی». پژوهشنامه اخلاق کاربردی، ۶(۴)، ۹۹-۱۲۰.
11. قائمی، علی‌اصغر (۱۳۸۳). روان‌شناسی انگیزش در دین. تهران: نشر بعثت.
12. کربن، هانری (۱۳۸۰). تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه: باستانی پاریزی. تهران: علمی و فرهنگی.

13. کریمی، زهرا؛ عباسی، مهدی. (۱۴۰۰). «تحلیل تطبیقی منفعت‌گرایی در فلسفه اخلاق غرب و اخلاق اسلامی». مطالعات تطبیقی الهیات اسلامی، ۹(۲)، ۱۱۵-۱۳۵.
14. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵). میزان الحکمه، ترجمه: انصاریان. قم: دارالحديث.
15. محمودی، محمدرضا. (۱۳۹۹). «نقش نیت در ارزش‌گذاری اخلاقی از منظر فلسفه اخلاق اسلامی». فصلنامه فلسفه دین پژوهی، ۱۲(۳)، ۵۱-۷۰.
16. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). اخلاق در قرآن، جلد دوم. قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی(ره).
17. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). آزادی معنوی. تهران: صدرا.
18. ملکی، سعید. (۱۴۰۲). «بررسی روان‌شناختی انگیزش دینی در چارچوب فطرت‌گرایی». پژوهش‌های روان‌شناسی دین، ۸(۱)، ۴۵-۶۳.
19. منابع مقاله‌ای (به‌صورت استاندارد)
20. نصری، عبدالکریم (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه اخلاق اسلامی. تهران: سمت.
21. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۹۰). مبانی و مفاهیم اخلاق اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.